

طبقه‌بندی افعال وجهی فارسی: پاسخی به توانگر و عموزاده (۲۰۰۹)

نگین ایلخانی‌پور^۱

دانشجوی دکتری تخصصی زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

غلامحسین کریمی‌دوستان

استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

(از ص ۱۲۹ تا ص ۱۳۳)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۵؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۴/۱

۱- مقدمه

طبقه‌بندی صرفی- نحوی^۲ عناصر وجهی فارسی از جمله موضوعات موردعلاقه پژوهشگرانی بوده است که به مطالعه وجهیت^۳ در این زبان پرداخته‌اند (از جمله: طالقانی ۲۰۰۸، الف، ب؛ توانگر و عموزاده ۲۰۰۹؛ ایلخانی‌پور ۱۳۹۱؛ کریمی‌دوستان و ایلخانی‌پور ۱۳۹۱). جدول ۱ خلاصه‌ای از این طبقه‌بندی‌ها را نشان می‌دهد.

ایلخانی‌پور (۱۳۹۱)	توانگر و عموزاده (۲۰۰۹)	طالقانی (۲۰۰۸، الف، ب)
● قیود وجهی	● قیود وجهی	● قیود وجهی ^۴
● افعال وجهی	● افعال واژگانی وجهی ^۸	● افعال وجهی ^۵
● زمان دستوری	● افعال کمکی وجهی	- افعال کمکی وجهی ^۶
● اسامی وجهی ^{۱۱}	● محمول‌های حالت ذهنی ^۹	- افعال مرکب وجهی ^۷
● صفات وجهی ^{۱۲}	● زمان دستوری ^{۱۰}	

جدول ۱. طبقه‌بندی‌های صرفی- نحوی عناصر وجهی فارسی.

در این صفحات با هدف نگارش نقدی بر طبقه‌بندی توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) از

n.ilghanipour@ut.ac.ir

^۱. رایانامه نویسنده مسئول:

^۲. morpho-syntactic classification

^۳. modality

^۴. modal adverbs

^۵. modal verbs

^۶. modal auxiliary verbs

^۷. modal complex verbs

^۸. modal lexical verbs

^۹. mental state predicates

^{۱۰}. tense

^{۱۱}. modal nouns

^{۱۲}. modal adjectives

افعال وجهی فارسی، نخست مروری مختصر بر طبقه‌بندی مذکور خواهیم داشت و سپس با استدلال‌هایی نشان می‌دهیم که این طبقه‌بندی نمی‌تواند طبقه‌بندی صرفی-نحوی مناسبی برای افعال وجهی فارسی باشد.

۲- مروری کوتاه بر توانگر و عموزاده (۲۰۰۹)

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده کردیم، توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۸-۸۶۰) در طبقه‌بندی صرفی-نحوی خود از عناصر وجهی فارسی، افعال وجهی را به سه دسته تقسیم می‌کنند: (۱) افعال واژگانی وجهی که خود بر دو دسته‌اند؛ آنهایی که خوانش معرفتی^۱ دارند، مانند *به نظر آمدن* و *آشکار بودن*، و آنهایی که خوانش تکلیفی^۲ دارند، مانند *اصرار داشتن* و *اجازه دادن*، (۲) افعال کمکی وجهی که می‌توانند بیانگر وجهیت معرفتی، تکلیفی و پویا^۳ باشند، مانند *توانستن*، *ممکن بودن*، *لازم بودن* و *وادار کردن*، و (۳) محمول‌های حالت ذهنی که از طریق آنها گوینده نظرش را در مورد موضوعی در بافتی خاص بیان می‌کند، مانند *فرض کردن*، *فکر کردن*، *خیال کردن* و *حدس زدن*. جملات (۱-۳) مثال‌هایی هستند که توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۹-۸۶۰) برای هر یک از این موارد می‌آورند.

(۱) افعال واژگانی وجهی:

الف. آنها خسته به نظر می‌آیند.

ب. من اصرار دارم که شما بمانید.

(۲) افعال کمکی وجهی:

الف. فردا ممکن است باران بیاید.

ب. ما آنها را وادار کردیم کار کنند.

(۳) محمول‌های حالت ذهنی:

الف. ما حدس می‌زنیم که او در پاریس است.

ب. فرض می‌شود که چنین کتابی وجود ندارد.

1. epistemic

2. deontic

3. dynamic

۳- پاسخی به توانگر و عموزاده (۲۰۰۹)

به توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) نقدی کلی را می‌توان وارد دانست و آن اینکه آنها طبقه‌بندی خود از افعال وجهی را نوعی طبقه‌بندی صرفی- نحوی می‌دانند و طبقات مختلف افعال وجهی را در کنار قیود وجهی می‌آورند اما توضیح نمی‌دهند که کدام ویژگی(های) صرفی- نحوی آن افعال را از یکدیگر متمایز می‌سازد. برای روشن شدن موضوع دو مورد را بررسی می‌کنیم.

مورد اول آنکه توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۹) *وآدار کردن* را فعل کمکی وجهی ولی *اجازه دادن* را فعل واژگانی وجهی می‌دانند و این در حالی است که این دو فعل وجهی ویژگی‌های صرفی- نحوی مشابهی دارند. بر اساس نظرات کریمی‌دوستان (۲۰۰۵، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲) در مورد ساختار درونی ساخت‌های فعل سبک^۱ (افعال مرکب)، *وآدار کردن* و *اجازه دادن* هر دو ساخت فعل سبکند؛ در هر دو مورد ساخت موضوعی^۲ توسط پیش‌فعل^۳ تعیین می‌شود و فعل‌های سبک کردن و *دادن* به لحاظ نحوی رفتار مشابهی دارند (برای مثال، پذیرای وندهای تصریفی هستند و در تعیین ویژگی‌های نمودی^۴ جمله ایفای نقش می‌کنند).^۵ علاوه‌براین، *وآدار کردن* و *اجازه دادن* هر دو افعالی کنترلی هستند. با استفاده از آزمون محدودیت‌های گزینشی می‌توان نشان داد که مفعول روساختی هر یک از این افعال (فارغ از اینکه با چه حالت‌نمایی ظاهر شود) در جایگاه زیرساختی خود قرار دارد چنانچه این دو فعل بر مفعول روساختی خود محدودیت گزینشی اعمال می‌کنند و مرجع گروه اسمی مفعول باید جاندار باشد. جملات قابل قبول (۴) و جملات غیرقابل قبول (۵) همین مطلب را نشان می‌دهند.

(۴) الف. او دوستش را وادار کرد که پنجره را بشکند.

ب. او به فرزندش اجازه داد که در اتاق بماند.

(۵) الف. # او سنگ را وادار کرد که پنجره را بشکند.

1. light verb constructions

2. argument structure

3. preverb

4. aspectual properties

۵. در اینجا نظرات کریمی‌دوستان (۲۰۰۵، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲) را در مورد ساختار درونی ساخت‌های فعل سبک می‌پذیریم و خواننده علاقه‌مند را برای نظراتی متفاوت در مورد این ساخت‌ها به مگردومیان (۲۰۰۱) و فولی، هارلی و کریمی (۲۰۰۵) ارجاع می‌دهیم.

ب. # او به کیفش اجازه داد که در اتاق بماند.

به‌علاوه، همان‌طور که در جملات (۶) مشاهده می‌کنیم، فاعل تهی بند متمم (e) نمی‌تواند جز مفعول بند پایه مرجعی داشته باشد که بدین ترتیب عنصر تهی فاعل را باید ضمیر مستتر (PRO) بدانیم.^۱

(۶) الف. او دوستش_i را وادار کرد [که $e_{i/*k}$ پنجره را بشکند].

ب. او به فرزندش_i اجازه داد [که $e_{i/*k}$ در اتاق بماند].

بنابراین، برخلاف نظر توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۹)، به نظر می‌رسد که وادار کردن و اجازه دادن مقوله صرفی- نحوی یکسانی داشته باشند.

مورد دوم در نقد طبقه‌بندی صرفی- نحوی توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) از افعال وجهی فارسی به محمول‌های حالت ذهنی باز می‌گردد. به نظر می‌رسد تنها معیاری که می‌تواند این طبقه را از سایر افعال وجهی متمایز کند معیاری معنایی باشد. مثال‌هایی که توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۶۰) برای محمول‌های حالت ذهنی می‌آورند مانند فکر کردن، خیال کردن و حدس زدن همچون بسیاری از افعال وجهی دو طبقه دیگر ساخت فعل سبکند و همان‌طور که در جملات (۳) دیدیم، همانند بسیاری از افعال واژگانی وجهی یا افعال کمکی وجهی می‌توانند متمم جمله‌ای (CP) داشته باشند.

۴- جمع‌بندی

در این مقاله کوتاه، پس از مروری بر طبقه‌بندی صرفی- نحوی عناصر وجهی فارسی نشان داده شد که طبقه‌بندی توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) از افعال وجهی فارسی را نمی‌توان نوعی طبقه‌بندی صرفی- نحوی از این افعال دانست و در صورتی که آن را نوعی طبقه‌بندی معنایی بدانیم نباید طبقات معنایی افعال وجهی را در کنار طبقه‌ای با عنوان قیود وجهی بیاوریم که یادآور معیاری صرفی- نحوی خواهد بود.

منابع

ایلخانی‌پور، نگین (۱۳۹۱). نگرشی معنایی- نحوی به وجهیت در صفات فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

^۱ برای جزئیات بیشتر در مورد این دو فعل، نگاه کنید به درزی (۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۴۰).

درزی، علی (۱۳۸۹). *شیوه استدلال نحوی (ویراست دوم)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

کریمی‌دوستان، غلامحسین، و نگین ایلخانی‌پور (۱۳۹۱). نظام وجهیت در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی* ۴: ۷۷-۹۸.

Folli, R., H. Harley, and S. Karimi. 2005. Determinants of event type in Persian complex predicates. *Lingua* 115:1365-1401.

Karimi-Doostan, G. 2005. Light verbs and structural case. *Lingua* 115:1737-1756.

Karimi-Doostan, G. 2011. Separability of light verb constructions in Persian. *Studia Linguistica* 65(1):70-95.

Karimi-Doostan, G. 2012. *Light verb constructions in Persian: Aspectual roles determine argument positions*. Saarbrücken: LAP Lambert Academy Publishing.

Megerdooian, K. 2001. Event structure and complex predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics* 46(1/2):97-125.

Taleghani, A.H. 2008a. *Modality, aspect and negation in Persian*. Amsterdam: John Benjamins B.V.

Taleghani, A.H. 2008b. Mood and modality in Persian. In S. Karimi, D.L. Stilo, and V. Samiiian (eds.). *Aspects of Iranian linguistics* (391-417). Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.

Tavangar, M., and M. Amouzadeh. 2009. Subjective modality and tense in Persian. *Language Sciences* 31:853-873.

